

شاخص‌های تحقق حکمرانی کارآفرینانه شهری

مجتبی بابایی هزه‌جان^{1*}، علی پیران‌نژاد²، بهمن خداپناه³، جواد صادقی⁴

1. کارشناس ارشد مدیریت شهری دانشگاه تهران

2. استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

3. دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

4. کارشناس ارشد مدیریت شهری دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: 1396/8/21

تاریخ پذیرش: 1397/1/23

چکیده

در سال‌های اخیر مفاهیمی مانند شهرهای خلاق و کارآفرین به‌عنوان کلید حل مسائل متعدد شهری همچون بیکاری، مهاجرت، بزهکاری و غیره شناخته شده است. اما بدیهی است که تحقق و توسعه این مفاهیم، بدون وجود سبک چابکی از حکمرانی که به مسائل و چالش‌های شهری پاسخی خلاقانه و کارآفرینانه دهد، امکان‌پذیر نیست. از این رو تحقیق حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از راهبرد تحلیل تم به شناسایی شاخص‌های تحقق حکمرانی کارآفرینانه شهری پرداخته است. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی بوده و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها در رده پژوهش‌های توصیفی قرار می‌گیرد. جامعه تحقیق متشکل از خبرگان و مسئولان حوزه شهری، کارآفرینان و کارشناسان ساختار سازمانی مستقر در شهر تهران بوده و داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته به‌دست آمده است. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو مرحله کدگذاری باز و محوری با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی. آی استفاده شد. طبق نتایج به‌دست آمده شاخص‌های اصلی حکمرانی کارآفرینانه شهری در 7 طبقه اصلی جایگاه‌سازی، چابک‌سازی، یکپارچه‌سازی، تمرکززدایی، مشارکت‌پذیری، قانون‌مداری و پاسخگویی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی شهری، حکمرانی شهری، حکمرانی کارآفرینانه شهری، شهر خلاق

مقدمه

حکومت محلی از بسیاری جهات قدیمی‌ترین واحد حکومتی می‌باشد که در ارتباط با ساختمان اصلی شهر، یا همان شهرداری شهر است که نماینده اولین اقتدار سیاسی، در شهرهای اروپایی قرون وسطی بوده است (صدیق سروستانی، 1394، ص 30). شهر نیز، مالک دارایی و زمین‌ها و تعیین‌کننده بودجه و درآمدها و هزینه‌هایش قلمداد شده است (وبر، 1393، ص 25)، با گذشت زمان و افزایش جمعیت شهرنشین، اختیارات و وظایف و مسئولیت‌های مدیریت شهری از چنین کلیدواژه‌هایی فراتر رفته و بعد از گذر از مراحل متعددی، در عصر کنونی با عنوان حکمرانی خوب شهری، ایفاگر نقش‌های متعددی در زندگی شهروندان شده است. در عصر حاضر، مدیریت شهری با مسائل متنوع و متفاوتی در حوزه‌های گوناگون روبه‌رو است و به‌زعم راسک برای مبارزه با مسائلی مانند بحران‌های مالیاتی و غیره، و برای سرزندگی اقتصادی شهر، شهرداری‌ها باید در راستای انعطاف شهرها که عاملی برای پیوند منابع حومه شهر با محدودیت‌های درون شهر هست تلاش کنند (Robinson, 2008, p. 104). در همین راستا توسعه کارآفرینی از راه‌های کاهش مسائل شهری و حامی توسعه شهری بوده و افزایش 10 درصدی تولد کسب‌وکارهای کوچک بعد از گذشت 10 سال، اشتغال را به میزان 1.1 تا 2.2 درصد و حقوق سالیانه را به میزان 3.1 تا 4 درصد و حقوق ماهیانه را به میزان 1.8 تا 2 درصد افزایش می‌دهد (Suk Lee, 2005, p. 20). اما توسعه کسب‌وکارها و کارآفرینی شهری بدون تحقق سبک کارآفرینانه حکمرانی شهری امکان‌پذیر نخواهد بود.

تاکنون تحقیق برجسته‌ای در راستای تحقق حکمرانی کارآفرینانه شهری انجام نشده است. با توجه به مطالب گفته شده، هدف اصلی از این تحقیق، شناسایی شاخص‌های تحقق حکمرانی کارآفرینانه شهری است. از همین روی محققان با روش کیفی راهکارهای تسریع تحقق و توسعه حکمرانی کارآفرینانه شهری را شناسایی و معرفی می‌کنند تا سیاست‌های مدیریت شهری در این راستا اخذ شده و توسعه پایدار شهری را با ترویج خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی شهری هموار کند. در همین راستا، در قسمت دوم به بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیق خواهیم پرداخت و در قسمت سوم به معرفی روش تحقیقی پردازیم. در ادامه، در بخش

چهارم یافته‌های تحقیق را مورد بررسی قرار خواهیم داد و در نهایت، نتیجه‌گیری کرده و پیشنهادهایی را از منظر سیاست‌گذاری ارائه خواهیم داد.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

واژه حکمرانی کارآفرینانه شهری برای نخستین بار برای شرح سیاست‌های شهری اتخاذ شده در فضای نئولیبرال آمریکا و انگلستان و به دنبال نقد و اخراج دولت رفاه کینزی انجام شد (Madureira, 2013, p. 2372). و به شکل خاصی به شبکه ترکیب‌کننده دولت با جامعه کسب و کار محلی بر می‌گردد. هاروی (1989) معتقد است پژوهش‌ها تغییر از مدیریت‌گرایی به کارآفرین محوری، ریشه در سرمایه‌داری غربی دارد (Xue & Wub, 2015, p.10). واژه حکمرانی کارآفرینانه شهری نیز به منزله تغییر در چگونگی تعامل بخش خصوصی و دولتی در درون پروژه‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای شهرها و به‌ویژه در چارچوب رقابت درون شهری می‌باشد (Madureira, 2013, p.10). و این رقابت درون شهری نتیجه سیاست‌گذاری برای رونق اقتصادی مناطق (فضاهای شهری)، است (Acs, Audretsch, & Strom, 2009, p.6). به‌زعم آدریچ و توریک (2000)، ظهور مجدد کارآفرینی و انتقال از اقتصاد بازارمحور به اقتصاد کارآفرین‌محور در کنار گسترش جهانی‌سازی سرعت بیشتری گرفته است و به تدوین سیاست‌های جدید توسعه کارآفرینی برای همه سطوح مدیریتی به‌ویژه مدیریت شهری منجر شده است (Acs, Bosma, & Sternberg, 2008, p. 2). در حال حاضر بیش از هر زمانی در تاریخ، توسعه اقتصادی و کارآفرینی دارای ارتباط و پیوستگی تنگاتنگ و قوی شده‌اند (Toma, Grigore, & Marines, 2014, p. 445). به‌زعم دیوید هاروی، ترسیم شهر کارآفرین سه عامل اصلی را دربر می‌گیرد؛ در وهله اول؛ توجه به نقش سیاست‌های دولت محلی در پرورش توسعه اقتصادی ترسیم شده است. دوم؛ بر ورود بازیگران خصوصی و راه‌های جدید سازماندهی اداره عمومی تأکید شده است و در نهایت؛ جهانی شدن اقتصاد، معمولاً متمایل به افزایش شهر کارآفرین دارد (Sriram, Mersha, & Herron, 2007, p. 237).

تصویر سنتی حکمرانی شهری، ارائه‌دهنده مستقیم رفاه و سایر خدمات بوده است اما در تصویر مدرن، یک نهاد توانمندساز و کاتالیزور تدوین و عمل از طریق دیگران می‌باشد

(Stoker, 1998, p. 9). هیلی (2008) معتقد است که حکمرانی و برنامه‌ریزی در اواخر قرن بیستم به مثابه دستورالعمل‌ها و فرایند بروکراتیک حکمرانی بودند که مانع نوآوری و تطبیق با زمینه و فشارهای نوین می‌شدند. در مقابل، نئولیبرال‌ها معتقد بودند بایستی آزادی بیشتری به آن دسته از فرایندهای بازار که به عنوان موانع انرژی نوآورانه مطرح هستند، داده شود (Healey, 2008, p. 2). اقتصاد کارآفرین محور، توسط نوآوری راهبری می‌شود و برخلاف اقتصادهای مدیریت شده، تغییر، ویژگی کلیدی این نوع از اقتصادهاست. مناطق شهری با داشتن تنوع و طیف گوناگونی از تخصص‌ها، نسبت به روستاها بهره‌ورتر شده و به نیروی اصلی محرکه اقتصاد ملی تبدیل شده‌اند؛ (بابایی هزه جان و همکاران، 1395، ص. 9)، از سوی دیگر جامعه شهری با داشتن تنوع اجتماعی بالا، وجود چالش‌هایی از قبیل رقابت اقتصادی بالا برای توسعه پایدار، نیازمند ایده‌های نوین در سیاست‌های شهری می‌باشد که در این راه سه مفهوم برای مدیریت چالش‌های موجود مطرح می‌شود که جایگزین سیاست‌های شهری گذشته هستند. اولین مفهوم، خلاقیت و نوآوری را به هم مرتبط می‌کند و از طرق مختلفی همچون سیاست‌های جدید، پروژه‌های نو، تلاش‌های بدیع و مردمی جدید، در جست‌وجوی هر آنچه که نو و بدیع است تحقق پیدا می‌کند این مفهوم بر حالتی از حکومت منعطف جهت تطبیق با شرایط جدید شهری و انتقال خودکار در روبه‌رو شدن با چالش‌های جدید تأکید می‌کند (Healey, 2008, p. 5)، تا آنجا که به‌زعم هالتونینگر و کریزان (1999) تخریب خلاق¹ به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادین اقتصاد کارآفرین مطرح است (Haltiwanger & Krizan, 1999, p.8). دومین مفهوم به آنسوی نوآوری اشاره دارد و ابعاد شهر پویا را مدنظر داشته و در مفهوم خلاقیت، رویکرد اقتصادی نوآورانه را مدنظر قرار می‌دهد و از این‌گذر، فرایندهای بازار از پاسخ‌های خلاقانه تولیدکنندگان به رفتار مصرف‌کنندگان منبعث می‌شود که بر منافع مالی تأکید می‌کند، در حالیکه امروزه در مناطق شهری بر ارزش اخلاقیات و صلاحیت‌های روحی زندگی شهری تأکید می‌شود و از همین‌روی توجه افراد را به سمت منافع روحی و مفاهیم اخلاقی، بیشتر از

منافع مادی جلب می‌کند. مفهوم سوم بر خلاقیت به‌عنوان فرایند ساخت محصولات جدید تأکید می‌کند که می‌تواند شامل موضوعات فرهنگی، مناطق جدید شهری، بازارهای جدید و عملکرد نوین حکمرانی شود و در این گذر سازمان و نهادهای دولتی و عمومی نقش بارزی را در موضوعات فرهنگی ایفا می‌کنند (Healey, 2008, p. 5). در این راستا وارد (2003) با نسبت دادن ظهور اولیه شهرسازی کارآفرین به مطالعات تغییرات بالتیمور؛ بیان می‌کند که سیاست‌ها و رویه‌های مشارکت بخش خصوصی و دولتی تا آنجا کارآفرینانه هست که در طراحی و ارایه نیز خلاقانه و نوآورانه باشند و تأکید و توجه از قلمرو موارد مرتبط - مسکن، آموزش و سیاست‌های اجتماعی در نصب و راه‌اندازی شهر کارآفرین، به سوی تمرکز بر مکان و به‌ویژه پروژه‌های شهری و شهروندی تغییر کرده است (Ward, 2003, p. 122).

جدول 1. ویژگی‌های سبک خلاقانه حکمرانی شهری

سطح	بعد
بخش‌های خاص	تنوع دامنه بازیگران گشودگی و تنوع مناطق ترغیب‌کننده، استقبال‌کننده، محیط احترام‌آمیز، آگاهانه و مولد
فرآیند حکمرانی	شبکه‌ها و ائتلاف‌های متنوع و آگاه، آزاد و جاری فرایند باز، شفاف، و روان انتخاب سهام‌دار گفتمان آزاد، مبتکرانه، آگاهانه و منعطف و همه‌جانبه عملکردهای تسهیل‌گر و تجربی، حامی فرایند خودتنظیمی
فرهنگ حکمرانی	استقبال از تنوع، تمرکز بر نگرانی‌های متعدد زندگی روزانه، تأکید بر کارآیی و نه بر هم‌نوایی انجام مذاکرات باز ارزشی و اخلاقی ماواری منفعت‌طلبی و مصرف‌گرایی، ترغیب به افزایش حساسیت و تحمل روشنفکری پشتیبانی و تحمیل‌کننده خودتنظیمی و تسهیم

منبع: (Healey, 2008, p. 7)

به‌زعم کونزمن (2004)، تحقق حکمرانی خلاق نیازمند تحقق خلاقیت در؛ (1) مؤسسات و افراد (مجریان) خلاق و جدید به‌جای مؤسسات عمومی (دولتی) و نیمه‌دولتی، (2) راهبردها و فرآیندهای خلاقانه به‌وسیله مجریان جدید و شجاع برای کشف قلمروهای جدید و (3) تأمین

مالی خلاقانه و استفاده از منابع مالی استفاده نشده است (Kunzmann, 2004, p. 7) و ظهور و افزایش شهرهای مصرفی احتمالاً به میزان بیشتری ما را به تفکر درباره سیاست‌های حامی کارآفرینی محلی هدایت می‌کند و سیاست‌های محلی نیز باید تصمیم افراد مبنی بر تشخیص زمان شروع کسب و کارشان و مکان‌گزینی مناسب را پشتیبانی کنند و عموماً تأثیر سیاست‌ها و برنامه‌های موافق کارآفرینی در سطح محلی از سطح ملی بالاتر خواهد بود (Kauffman Foundation, 2008, p. 23). در تجزیه و تحلیل رابینسون این برنامه‌ها در سه ناحیه قرار داده شده‌اند: راهبردهای جامعه‌محور، راهبردهای سرمایه‌محور، راهبردهای جامعه سرمایه‌گذارمحور (برنامه‌های اجرا شده دولت فدرال در این زمینه‌ها که؛ (الف) یک جامعه آشفته خاص را هدف قرار می‌دهد. (ب) خلق‌کننده یک محیط نهادی مطلوب برای توسعه است و (ج) مرتبط‌کننده کسب و کارها و سازمان‌های محلی با منابع منطقه‌ای و ملی هستند (Robinson, 2008, p. 6). وی در نهایت رعایت سه سیاست را عامل اثربخشی طرح‌های توسعه اقتصاد شهری می‌داند: در وهله اول؛ افزایش توسعه کسب و کارهای درون شهری برای رسیدن به موقعیتی در اهداف ملی. سپس؛ ارایه نکات اضافی برای برنامه‌هایی که به‌طور خاص آغازگر توسعه اقتصادی‌اند و ایجاد‌کننده مؤسسات اجتماعی در جوامع در مانده و تحت فشار هستند و در نهایت ارایه حمایت‌های مالی و کمک‌های فنی مستقیم به کارآفرینانی که در جوامع هدف کار و زندگی می‌کنند (Robinson, 2008, p. 8).

واژه حکمرانی کارآفرینانه شهری به‌طور متداول به نگاهی برون‌گرا اشاره می‌کند که شامل دو فرایند به هم وابسته می‌باشد که در فرآیند اول توجه حکمرانی شهری، سیاست‌های برون‌گرا بر رشد و توسعه اقتصاد محلی از طریق سرمایه‌گذاری درونی معطوف است (Hall & Hubbard, 1998, p. 25) و حکمرانی به‌جای اینکه نگران رفاه و خدمات شهروندان باشد به دنبال جذب سرمایه‌های متحرک می‌باشد و فرایند دوم مؤید این مهم است که بسیاری از سیاست‌های بیرونی به وسیله مؤسسات، تأمین مالی می‌شوند و از دامنه سنتی حوزه عمومی فراتر می‌روند و این آن چیزی هست که هاروی از آن به‌عنوان تغییر از دولت به حکمرانی یاد می‌کند (Harvey,

9) p. 1989. و آن چیزی که دربارهٔ این تغییر مهم است افزایش نقش بخش خصوصی در تأمین مالی و قانون‌گذاری سیاست‌های حامی رشد می‌باشد (Ashworth & Voogd, 1990, p. 609).

پیشینه تحقیق

زو و ووب (2015)، به بررسی توسعه حکمرانی کارآفرینانه در منطقه دانگوان¹ چین پرداخته و معتقدند به دلیل بحران‌های مالی و کاهش اقتصاد اجاره‌ای و ناکارآمدی حکمرانی، این سبک از حکمرانی به شکست می‌انجامد، آن‌ها سه مرحله را در توسعه حکمرانی کارآفرینانه در منطقه دانگوان ترسیم کرده‌اند: مرحله اول شامل صنعتی‌سازی با سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود در این مرحله حکمرانی کارآفرینانه از صنایع با ارزش افزوده پایین حمایت می‌کند. مرحله دوم توسعه اقتصاد قرضی است که با نابودی صنایع بومی همراه است و بومیان ناچار هستند به اقتصاد اجاره‌ای اتکا کنند و حکمرانی کارآفرینانه در شکل‌گیری تعاونی‌های کوچک را دربر می‌گیرد. سومین مرحله یک رشته بحران‌های اقتصادی است که بعد از بحران جهانی مالی به سلسله بحران‌های مالی در مناطق روستایی منجر می‌شود (Xue & Wub, 2015, p. 15).

مادوریرا (2013)، در تحقیق خود روش‌های کارآفرینانه در سیاست‌های شهری را به‌مثابه چرخش از مفهوم دولت به مفهوم حکمرانی در نظر گرفته است. طبق نتایج این تحقیق، حکمرانی به‌عنوان شبکه‌های درون سازمانی در نظر گرفته می‌شود که گستره وسیعی از بازیگران حوزه‌های خصوصی، عمومی، غیرانتفاعی برای مشارکت در اجرا و توسعه پروژه‌ها فراهم می‌آیند. چرخش از مفهوم دولت به مفهوم حکمرانی به وسیله پژوهش‌گران به منزله افزایش تمرکززدایی دولت و اداره عمومی و در نتیجه یک چرخش ایدئولوژیک یا فرصت‌طلبانه از سیاست‌گذاری به سوی نئولیبرالیسم تلقی شده و تغییر و چرخش در مدل‌های حکمرانی شهری قویاً متأثر از دو واژه تمرکززدایی و پراکنده‌سازی می‌باشد (Madureira, 2013, P.13).

هیلی (2008) به دنبال کشف روابط بین "نوآوری" و "خلاقیت" و شکل‌گیری و اعمال "حکمرانی" در زمینه شهری برآمده‌اند و به زعم آنان بین ویژگی‌های شهر خلاق و یک حالت حکمرانی خلاق شهری رابطه‌ای ساده وجود ندارد. این مقاله به دفاع از یک روش سه سطحی (قسمت‌های خاص، فرایندهای حکمرانی، حکمرانی فرهنگ) برای ابعاد حکمرانی شهری می‌پردازد که از طریق آن به شناسایی صلاحیت‌های فعالیت‌های حکمرانی در زمینه‌های خاص می‌پردازد که توانایی ترغیب خلاقیت و نوآوری را دارند در نتیجه فقط با نوع خاصی از مداخله است که می‌توان خلاقیت شهری را از یک تجربه به یک جریان منتقل کرد (Healey, 2008, p. 94).

کونزمن (2004) موانع متعددی باعث عدم آغاز به فعالیت مؤسسات و سایر بازیگران در مناطق شهری می‌شوند. در شهرهای آلمان 10 توصیه برای پیاده‌سازی حکمرانی خلاق شهری شامل؛ وجود مرزهای عملکردی منعطف، ارتقای اطلاعات منطقه‌ای، توسعه چشم‌انداز منطقه‌ای، ارتقای هویت منطقه‌ای شهر، تقویت شبکه‌های نوآور منطقه‌ای، تقویت بخش سوم، طراحی پروژه‌های حامی همکاری‌های درون منطقه‌ای، خلق فرصت‌های دیداری، ارتباط با داستان‌های موفق درون منطقه‌ای و خلق اعتماد ارایه و مطرح شده است که به کارگیری مباحث مطروحه نیازمند یک اراده سیاسی خوب و رهبری قدرتمند به وسیله سیاستمداران دورنگر و حرفه‌ای که زمان و چگونگی آغاز انجام پیشنهادهای ارایه شده را بدانند، می‌باشد. و به ویژه تحقق این موارد نیازمند خلاقیت‌های چندگانه‌ای می‌باشد که عبارتند از: نهادها و بازیگران خلاق، راهبردها و فرآیندهای خلاق و تأمین مالی خلاق (Kunzmann, 2004, p. 7).

روش‌شناسی

این پژوهش از دیدگاه هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی و از منظر گردآوری داده‌ها در رده پژوهش‌های توصیفی قرار دارد. در این پژوهش برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز با 16 نفر از خبرگان کلیدی (کارشناسان حوزه شهری، مدیران شهری، کارآفرینان، کارشناسان حوزه نوآوری)، که با مفهوم کارآفرینی و حکمرانی شهری آشنایی داشته‌اند مصاحبه اکتشافی انجام شد. فرایند نمونه‌گیری، به صورت هدفمند و راهبردی بوده و تا زمانی ادامه پیدا کرد که

فرآیند تجزیه و تحلیل و اکتشاف به اشباع نظری برسد. همچنین در این پژوهش از روش تحلیل تم متون مصاحبه به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه استفاده شده است. روایی صوری پروتکل مصاحبه، براساس تحلیل روایی صوری و محتوای آن از دیدگاه 4 نفر از خبرگان فعال در زمینه پژوهش کیفی بررسی شده و روایی 83 درصد برای پروتکل تعیین شده است. همچنین با استفاده از روش درصد توافق بین دو کدگذار میزان 86 درصد پایایی برای ابزار گردآوری داده‌ها به دست آمد، که نشان از مناسب بودن ابزار دارد.

در این تحقق به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، با اتخاذ رویکرد استقرایی در دو مرحله کدگذاری باز و محوری انجام شده است (کدگذاری باز، محوری). کدگذاری باز عبارت است از فرآیند خرد کردن، آزمون، مقایسه، مفهوم سازی و طبقه‌بندی داده‌ها (Strauss & Corbin, 1994, p. 281). کدگذاری محوری از سویی دیگر به عنوان "فرایند ارتباط‌دهی طبقات (با درجه بالاتری از انتزاع)، به زیرطبقاتی با انتزاع کمتر می‌باشد" عنوان محوری بدین جهت به این شیوه کدگذاری شده است که در این رویکرد، کدگذاری، حول محور یک طبقه انجام می‌شود و طبقات و زیرطبقات را به یکدیگر و در سطح خصیصه‌ها و ابعاد مرتبط می‌سازد (Razmjoo & Nouhi, 2011, p. 184)، یا به عبارتی دیگر در مرحله کدگذاری محوری پژوهشگر یکی از طبقه‌ها را به عنوان طبقه محوری انتخاب کرده، آن را با عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند، مورد کاوش قرار داده و ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص می‌کند. در این تحقیق برای کدگذاری داده‌های تحقیق از نرم‌افزار اطلس تی نسخه 6 بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

در جدول شماره (3) مشخصات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است، چنانچه مشخص است مشارکت کنندگان حاضر از نظر سطح تحصیلات و تخصص در شرایط مناسبی به منظور پاسخ‌گویی به سوالات تحقیق حاضر بوده‌اند.

بعد از انجام مصاحبه‌ها و رسیدن به اشباع نظری، به کدگذاری متون مصاحبه و استخراج کدها و مفاهیم اولیه پرداخته شد و سپس کدهای به دست آمده را در قالب تم‌های اصلی جایگذاری شد. طبق این یافته‌ها سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریت شهری بایستی در راستای

تحقق 7 دسته اصلی تمرکززدایی، قانون مداری، مشارکت پذیری پاسخ گویی، یکپارچه سازی، چابک سازی، جایگاه سازی شوند. خبرگان مصاحبه شونده در بین دسته های محقق شده بر دسته **جایگاه سازی** تأکید بیشتری داشتند و سایر دسته ها در مراتب بعدی تأکید قرار گرفت که در ادامه به تشریح هر یک از آن ها در قالب جدول (4) می پردازیم.

جدول 3. مشخصات جمعیت شناختی مصاحبه شوندها

جنس	سن	شغل	تحصیلات	جنس	سن	شغل	تحصیلات
مرد	50	معاون شهردار	دکتری	مرد	48	استاد برنامه ریزی	دکتری
مرد	52	معاون شهردار	دکتری	مرد	56	استاد شهرسازی	دکتری
مرد	48	معاون شهردار منطقه	کارشناسی	مرد	34	استاد ساختار سازمانی	دکتری
زن	34	کارشناس	کارشناسی ارشد	مرد	50	استاد کارآفرینی	دکتری
مرد	30	کارآفرین	کارشناسی	مرد	35	استاد اقتصاد شهری	دکتری
زن	34	کارآفرین	کارشناسی ارشد	مرد	46	استاد کارآفرینی	دکتری
مرد	31	کارآفرین	کارشناسی	مرد	41	مدیرکل شهرداری	کارشناسی ارشد
زن	63	کارآفرین برتر	کارشناسی	زن	36	مدیر سرای محله	کارشناسی ارشد

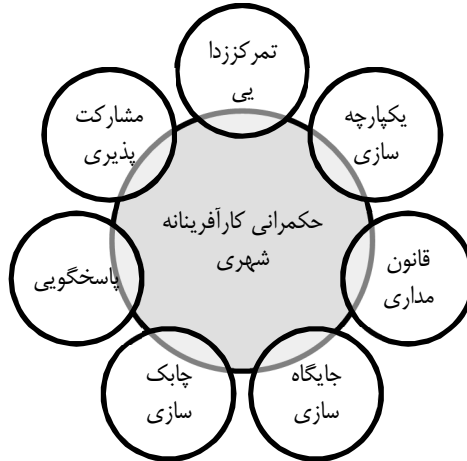
جدول 4. خلاصه کدهای باز و محوری استخراج شده

تکرار هر کد	تکرار هر کد				
	6	3	3	3	4
تکرار زدایی	اصلاح و توسعه نظام برون سپاری	کوچک سازی نهادهای اداری محلی	توزیع منابع و امکانات در نهادهای زیر مجموعه	تعدیل نیروهای شهرداری	منعطف کردن نظام مالیاتی
قانون مداری	تکرار هر کد				
	3	2	6	4	2
	تنوع بخشی به قوانین و مقررات	تطبیق مقررات با نیازهای مناطق	افزایش شفافیت قوانین حوزه سرمایه گذاری و کسب و کار	حذف جایگاه های فراقانونی	حذف قوانین و مقررات دست و پاگیر

مشارکت‌پذیری	تکرار هر کد					
	3	4	10	9	2	3
	افزایش قراردادهای مشارکتی با کارآفرینان	افزایش راه‌های ارتباطی شهرداری با کارآفرینان	توسعه سراهای محلات و اصلاح ساختاری آنان	تقویت نقش تسهیل‌گری شهرداری در برابر نقش تصدی‌گری	توسعه رویکرد اجتماعی شهرداری در برابر نقش خدماتی	گردشی بودن ارایه خدمات به کارآفرینان
پاسخ‌گویی	تکرار هر کد					
	4	7	9	13	5	
	افزایش نظارت بر فرایندهای اداری	افزایش روحیه پاسخ‌گویی و انتقادپذیری	شفاف‌سازی اطلاعات ادارات و سازمان‌ها	مبارزه با فساد و رانت‌های اداری	آگاه‌سازی شهروندان از ساختار شهرداری	
بیکارچهارسازی	تکرار هر کد					
	10	2	3	4	9	6
	افزایش اختیارات حاکمیت شهری	تطبیق نحوه اداره شهر با ماهیت شهر	بازتعریف رابطه دولت و حکمرانی شهری	تعیین متولی مدیریت شهری	هماهنگی برنامه‌های خرد و تفصیلی	افزایش هماهنگی بین سازمانی
چابک‌سازی	تکرار هر کد					
	8	3	2	2	6	3
	به کارگیری فناوری‌های مدرن	کاهش بروکراسی نظام اداری	طراحی خلاقانه محیط اداری	ایجاد ساختار سازمانی کارآفرینانه	اصلاح ساختاری مراکز کارآفرینی شهرداری	توسعه تخصص‌گرایی در اداره امور شهری
جایگاه‌سازی	تکرار هر کد					
	21	9	6	7		
	ایجاد و توسعه واحدهای خلاقیت و نوآوری	راه‌اندازی واحد مشاوره نوآوری و کارآفرینی	تدوین و توزیع تجارب کارآفرینان میان کارکنان	توسعه آموزش‌های کارآفرینانه ضمن خدمت		

مدیریت شهرها به مانند سازمان‌ها و نهادها در دهه‌های گذشته مبتنی بر مدیریت متمرکز و به‌نوعی نظام از بالا به پایین استوار بود و به انجام وظایف محدودی همچون ایجاد

زیرساخت‌ها، حفظ امنیت و کنترل، ساخت و ساز، ترافیک و برخی مسائل عمرانی دیگر می‌پرداخت. براساس یافته‌های تحقیق، الگوی حکمرانی کارآفرینانه شهری در شکل شماره (1) ارایه شده است. این الگو بیان‌کننده این حقیقت است که توسعه کارآفرینی در بستر شهری هم‌تی بالاتر از مدیریت سنتی شهری طلبیده و نیازمند نگاه مبتنی بر رویکرد نظام‌مند است.



شکل 1. چارچوب نهایی راهکارهای تحقق و توسعه حکمرانی کارآفرینانه شهری

بحث و نتیجه‌گیری

با بروز و ظهور سیاست‌ها، برنامه‌ها و سبک‌های گوناگون حکمرانی در عرصه شهری، و پابرجا ماندن و گاهاً قوت گرفتن بسیاری از مشکلات و مسائل شهری، محققان و اندیشمندان شهری روز به روز مفاهیم خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی را به ادبیات شهری نزدیک‌تر می‌کنند. امروزه بعد از مطرح شدن مفاهیمی چون کارآفرینی شهری، شهرهای خلاق، طبقات خلاق و... بایسته است برای ارایه پاسخ‌های خلاقانه به چالش‌های شهری مفهوم "حکمرانی کارآفرینانه شهری" را مطرح کرد، از همین روی در این تحقیق هدف اصلی ارایه چارچوبی به‌منظور تحقق حکمرانی کارآفرینانه شهری بود، که نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، حکایت از این دارند که 7 طبقه محوری بر تحقق حکمرانی کارآفرینانه شهری تاثیر دارند که این طبقات عبارتند از: تمرکززدایی، یکپارچگی،

قانون‌مداری، جایگاه‌سازی، پاسخ‌گویی، و مشارکت‌پذیری. که در این بین، به اعتقاد خبرگان، که با آن‌ها مصاحبه به‌عمل آمد، جایگاه‌سازی تاثیر بیشتری را در تحقق حکمرانی شهری کارآفرینانه ایفا می‌کند.

در همین راستا مدیریت شهری بایستی با ایجاد بسترهای مناسب راه را برای تحقق شهر هوشمند و خلاق به‌عنوان محیط و بستر حکمرانی کارآفرینانه شهری فراهم کرد. طبق یافته‌های تحقیق، وجود محیطی متنوع با نقشی که در افزایش گردش اطلاعات، ایده‌ها، تفکرات گوناگون ایفا می‌کند باعث توسعه بستر خلاقیت و نوآوری در مدیریت شهری می‌شود. از همین روی، توسعه و تسهیل عوامل تنوع‌بخش محیط شهری همچون جذب هدفمند مهاجرین، شرکت‌های فراملیتی، از یک طرف و نیز توسعه صنایع فرهنگی و خلاق بایستی در اولویت سیاست‌گذاری شهری قرار گیرد.

در مقام مقایسه با تحقیقات پیشین، یافته‌های این تحقیق با تحقیق کونزمن (2004) که به ارایه پیشنهادهای ده‌گانه در راستای تحقق حکمرانی خلاقانه شهری پرداخته است هم‌راستا می‌باشد، اما در تحقیق کونزمن تأکید بیشتر محقق بر عوامل و سیاست‌های برون‌سازمانی بوده است که در این تحقیق سعی شده تا علاوه بر عوامل و راهکارهای برون‌سازمانی به بعد درون سازمانی حکمرانی شهری نیز پرداخته شود و راهکارهایی برای تحقق حکمرانی کارآفرینانه شهری ارائه شود. در تحقیق هیلی (2008) با اینکه نقص تحقیق کونزمن برطرف شده است اما در این تحقیق نیز برخی نارسایی‌ها و نقص‌هایی ناشی از تفاوت در شرایط محیطی محقق دیده می‌شود که در این تحقیق سعی شده است تا با توجه به ساختار موجود مدیریت و حکمرانی شهری در ایران به شناسایی عوامل و ارایه راهکار پرداخته شود.

زو و ووب (2015)، به بررسی توسعه حکمرانی کارآفرینانه در منطقه دانگوان¹ چین پرداخته و معتقدند به‌دلیل بحران‌های مالی و کاهش اقتصاد اجاره‌ای و ناکارآمدی حکمرانی، این سبک از حکمرانی به شکست می‌انجامد، آنها سه مرحله را در توسعه حکمرانی

کارآفرینانه در منطقه دانگوان ترسیم کرده‌اند: مرحله اول شامل صنعتی سازی با سرمایه گذاری خارجی می شود در این مرحله حکمرانی کارآفرینانه از صنایع با ارزش افزوده پایین حمایت می کند. مرحله دوم توسعه اقتصاد قرضی است که با نابودی صنایع بومی همراه بوده و بومیان ناچار هستند به اقتصاد اجاره‌ای اتکا کنند و حکمرانی کارآفرینانه در شکل گیری تعاونی های کوچک را دربر می گیرد. سومین مرحله یک رشته بحران های اقتصادی است که بعد از بحران مالی جهانیه سلسله بحران های مالی در مناطق روستایی منجر می شود (Xue & Wub, 2015)

نتایج این تحقیق با یافته های تحقیق مادوریرا (2013)، نیز در اعتقاد به تمرکززدایی و چندتکه سازی برنامه های فیزیکی شهری همراستا است. با توجه به این که بازیگران درگیر در سیاست های شهری روش های کسب و کاری همچون برندسازی، بازاریابی، سفته بازی و ریسک پذیری را اتخاذ می کنند، شهر به خودی خود مفهومی کارآفرینانه دارد اما چنانچه یافته های این تحقیق نیز نشان می دهد، بایسته است که برای رسیدن به حکمرانی کارآفرینانه در چنین بستری به سمت تمرکززدایی و چندتکه سازی حرکت کرد که مادوریرا (2013) معتقد است سیاست های تمرکززدایی را باید در قالب مشارکت با سهامداران بخش خصوصی و عمومی، حرکت از سلسله مراتب به سوی شبکه سازی، و توسعه اشکال نامتمرکز حکمرانی شهری پیگیری کرد.

در نهایت آنچه که به طور مشخص این تحقیق را از پژوهش های پیشین متمایز می کند این است که پژوهش های پیشین تأکید بر "حکمرانی خلاق شهری" داشته اند و بیشتر به دنبال اجرای فرایندها و سیاست های خلاقانه برای تسریع و بهبود عملکرد حکمرانی شهری در فضای شهری بوده اند اما در این تحقیق محققان با ارایه مفهوم "حکمرانی کارآفرینانه شهری" به عنوان مفهومی بدیع و نو در مطالعات شهری گامی فراتر گذاشته و علاوه بر پیگیری موارد بیان شده به دنبال تسهیل و تسریع رشد کارآفرینی شهری به عنوان پدیده های نوظهور در مناطق شهری بوده اند.

پیشنهادها

از آنجا که چه در بستر اداری و چه در بستر جامعه نیازمند وجود و مشارکت افکار و ایده‌های متنوع می‌باشد و در نتیجه همین تعامل افکار و ایده‌های متنوع روحیه کارآفرینانه خلق و توسعه می‌یابد از این رو بایسته است مدیریت شهری علاوه بر توسعه رویکرد اجتماعی در برابر نقش خدماتی خود و تفوق تسهیل‌گری در برابر تصدی‌گری، به توسعه راه‌های ارتباطی کارآفرینان با مدیریت شهری، عقد قراردادهای مشارکتی با آنان و ارائه خدمات متنوع به کارآفرینان پرداخته و موجبات ارتقای توانمندسازی آنان را فراهم کند، البته یادآور می‌شود که این خدمات و تسهیلات بایستی به صورت گردش و عادلانه ارائه شود تا انحصار در ارائه خدمات به حداقل ممکن برسد. سیاست‌های تمرکززدایی با کوچک‌سازی و چابک‌سازی ساختار مدیریت شهری هم می‌تواند پاسخ‌ها و واکنش‌های سریع‌تر و هوشمندانه‌تری را به مشکلات و مسائل شهری ارائه دهد و هم با افزایش سهم شهروندان در اداره امور شهری احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در شهروندان افزایش دهد و منقطع‌سازی نظام مالیاتی می‌تواند کمک به‌سزایی را به کارآفرینان نوپا و خرد بکند.

از سوی دیگر بایسته است که با توسعه قوانین و مقررات بتوان غالب مشکلات و موانع و مسائل کارآفرینان و کسب‌وکارها را شناسایی کرده و برای آن‌ها جواب‌هایی مشخص و شفاف ارائه دهد تا نیاز به تفسیر قوانین و مقررات توسط افراد حقیقی و حقوقی به حداقل ممکن برسد و کارآفرینان و صاحبان کسب‌وکارها با مراجعه به قوانین و مقررات موجود به پاسخ مدنظر خودشان برسند و از سوی دیگر قوانین و مقررات باید متناسب با نیازها و براساس بوم‌شناسی مناطق مختلف تدوین و تصویب شوند تا بیشترین انطباق را با نیازها، فرهنگ و در نهایت عرف جامعه یادشده داشته باشند البته توسعه قوانین نباید منجر به افزایش قوانین و مقررات دست و پاگیر شود و قوانین بایستی نقش تسهیل‌گر فعالیت‌ها و کسب‌وکارهای کارآفرینانه را داشته باشند. در ادامه شایسته است تا فرهنگ برابری در برابر قانون به همه اقشار جامعه تسری پیدا کرده و از خلق جایگاه‌های فراقانونی برای افراد حقیقی و حقوقی جلوگیری شود.

در شهرهای در حال توسعه و توسعه نیافته یکی از مهم ترین موانع توسعه روحیه کارآفرینانه وجود رانت های اطلاعاتی در بین افراد متصل به نهادهای که با روحیه لابی گری و کاهش روحیه کارآفرینانه می انجامد برای کاهش چنین مسائلی بهتر است با تبیین الزاماتی راه را برای پاسخ گویی هرچه بیشتر مسئولان و مدیران شهری فراهم کرد و اطلاعات ادارات و سازمان ها و قراردادهای منعقد شده در آنها به صورت شفاف در دسترس عموم شهروندان قرار گیرد و در ادامه با تقویت بُعد نظارتی به ویژه نظارت همگانی شهروندان بر امور، امکان تخلفات و سوء استفاده های مسئولان از رانت های اطلاعاتی را به حداقل ممکن رساند. در ادامه باید با افزایش ارتباط سازنده بین حکمرانی ملی و شهری راه را برای تحقق مدیریت یکپارچه شهری فراهم نمود زیرا که وجود سازمان های متعدد اثر گذار در امور شهر و کسب و کارها باعث لطمه خوردن اداره شهر و کسب و کارها و در نهایت کارآفرینان می شود. از همین روی تحقق مدیریت یکپارچه شهری با رویکرد چابک سازی می تواند فراقکنی مسئولان مربوطه را به حداقل ممکن رسانده و هماهنگی سازمان ها و نهادها را برای پاسخ گویی به نیاز شهروندان و به ویژه کارآفرینان را افزایش دهد البته یکپارچه سازی مدیریت شهری صرفا به معنی افزایش حوزه اختیارات شهری نمی باشد و مدیریت شهری نیز باید به نوبه خود به چابک سازی خود پردازد که در این راه می توان بکارگیری تکنولوژی های مدرن و استفاده از بستر فضای مجازی رایانه خدمات به شهروندان و کاهش بوروکراسی های زائد را در اولویت قرار داد و از سوی دیگر ساختار سازمانی مدیریت شهری و سازمان های مرتبط را به طور خلاقانه طراحی کرد.

در نهایت شایسته است در انجام تحقیقات آتی محققان به بررسی راه کارهای عملیاتی شدن هر یک از شاخص های اصلی به صورت تفصیلی تر پرداخته و مورد مذاقه قرار دهند و در ادامه در راستای عملیاتی شدن و محقق شدن پدیده حکمرانی کارآفرینانه شهری بهتر است شاخص های شناسایی شده را در شهرهای گوناگون با روش و ابزارهای تحقیق کمی مورد سنجش قرار داده است تا با توجه به نتایج به دست آمده و اولویت های شناسایی شده ناشی از تفاوت در نیازهای شهروندان و اکوسیستم حاکم بر شهرها، به تدوین و اجرای سیاست ها و برنامه های مدیریت شهری پرداخته شود.

منابع

- بابایی هزه‌جان، مجتبی؛ پیران نژاد، علی؛ محمدپورزندی، حسین؛ و امیری، مجتبی (1395). شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر بر کارآفرینی شهری (مطالعه موردی: شهر تهران). فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری. 5(19)، 83-99.
- پاداش، حمید و خداپناه، بهمن (1394). برآورد تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر اقتصاد دانش بنیان در کشورهای منتخب. فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی. 3(23)، 165-187.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ و حجاری، ا. (1387). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
- صدیق سروسستانی، رحمت الله (1394). نظریه اجتماعی شهری (شهر، خود و جامعه). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- و بر، م. (1393). شهر در گذر زمان. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- Birks, M., Chapman, M., & FACMHN, B. (2014). DOING GROUNDED THEORY: EXPERIENCES FROM A STUDY ON DESIGNING UNDERGRADUATE NURSING CURRICULA IN AUSTRALIA In: Emerson, Tod S., (ed.) New Developments in Nursing Education Research: nursing issues problems and challenges. Nursing: issues, problems. Nova, New York, NY, USA: pp. 41-59.
- Acs, Z. (2006). How is entrepreneurship good for economic growth? innovations, 1(1), 97-107.
- Acs, Z., & Varga, A. (2005). Entrepreneurship, Agglomeration and Technological Change. Small Business Economics 24(3), 323-334.
- Acs, Z., Audretsch, D., & Strom, R. (2009). Entrepreneurship, growth, and public policy. Cambridge University Press.
- Acs, Z., Bosma, N., & Sternberg, R. (2008). The Entrepreneurial Advantage of World Cities; Evidence from Global Entrepreneurship Monitor Data. JENA ECONOMIC RESEARCH PAPERS.
- Ashworth, G., & Voogd, H. (1990). Selling the city: marketing approaches in public sector urban planning. London: Belhaven Press.
- Bosma, N., & Stam, E. (2012). Local Policies for High Employment Growth Enterprises. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD) Report.
- Bosma, N., & Sternberg, R. (2014). Entrepreneurship as an Urban Event? Empirical Evidence from European Cities. Journal of the Regional Studies Association.
- Carrillo, F. (2044). Capital cities: a taxonomy of capital accounts for knowledge cities. Journal of Knowledge Management, 28-46.

- Corbin, J., & Strauss, A. (1990). Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria. *Qualitative sociology*, 13(1), 3-21.
- Fang, R.-J., Chang, Y., Sheng, L., & Chi, J. (2010). The model of multimedia and cognitive learning theory. Paper presented at the the 9th WSEAS International Conference on SOFTWARE ENGINEERING, PARALLEL and DISTRIBUTED SYSTEMS.
- Galindo, M.-Á., & Méndez, M. (2014). Entrepreneurship, economic growth, and innovation: Are feedback effects at work? . *Journal of Business Research*, 825-829.
- Hall, T., & Hubbard, P. (1998). The entrepreneurial city: geographies of politics, regime, and representation.
- Haltiwanger, J., & Krizan, C. (1999). Small Business and Job Creation in the United States: The Role of New and Young Businesses.” In *Are Small Firms Important Their Role and Impact*, Zoltan Acs, ed. . Boston: Kluwer Academic Publishing.
- Harvey, D. (1989). From Managerialism to Entrepreneurialism: The Transformation in Urban Governance in Late Capitalism. *Geografiska Annaler. Series B, Human Geography* Vol. 71, No. 1, 3-17.
- Healey, P. (2008). Creativity and urban governance. *Policy studies* 25:2, 87-102.
- Healey, P. (2008). Creativity and Urban Governance. *Policy Studies*, 87-102.
- Islam, A. (2015). Entrepreneurship and the allocation of government spending under imperfect markets. *World Development*, 70 , 108-121.
- Kauffman Foundation. (2008). *Entrepreneurship and Urban Success: Toward a Policy Consensus*. Kauffman Foundation.
- Klepper, S. (forthcoming). “Silicon Valley–A Chip off the Old Detroit Bloc” *Entrepreneurship, Growth and Public Policy*. U.K: Cambridge: Cambridge University Press.
- Kunzmann, K. (2004). An Agenda for Creative Governance in City Regions. *The planning review*, 5-10.
- Madureira, A. M. (2013). Physical Planning in Entrepreneurial Urban Governance—Experiences from the Bo01 and Brunnsjö Projects, Sweden. *European Planning Studies*, 2372.
- Matsumoto, H., & Wilson, D. (2005). Testing a Rigorous Execution of Grounded Theory Using Comparative Cross-cultural Case Studies of Strategic Global IS Management in Investment Banks. Paper presented at the Proceedings of the 4th European Conference on Research Methods: In Business and Management Studies.
- OECD. (2007). *Competitive Cities: A New Entrepreneurial Paradigm in Spatial Development*. Paris.
- Pandit, N. (1996). The creation of theory: A recent application of the grounded theory method. *The qualitative report*, 2(4), 1-15.
- Patsy, H. (2004). Creativity and urban governance . *disP-The Planning Review* 40, no. 158, 11-20.
- Pitelis, C. (2012). Clusters, entrepreneurial ecosystem co-creation, and appropriability: a conceptual framework. *Industrial and Corporate Change* 21, 1359–1388.
- R. Jones, S. (2007). Supporting Urban Entrepreneurs: Law, policy, And the role of Lawyers in Small Bussiness Development. *Western New England Law Review*, 71-91.

- Razmjoo, S., & Nouhi, N. (2011). A SWOT analysis of the junior high school English program: A grounded theory approach. *International Proceedings of Economics Development and Research*, 26, 182-186.
- Robinson, J. (2008). *Urban Entrepreneurship Patterns*. Western New England Law Review.
- Shane, S. (2009). Why encouraging more people to become entrepreneurs is bad public policy. *Small Business Economics*, 141-149.
- Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). The promise of entrepreneurship as a field of research. *Academy of Management Review* 25, 217-226.
- Sriram, V., Mersha, T., & Herron, L. (2007). Drivers of urban entrepreneurship: an integrative model. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 235-251.
- Stevenson, H., & Jarillo, J. (1990). A Paradigm of Entrepreneurship: Entrepreneurial Management. *Strategic Management Journal*, 11(5), 17-27.
- Stoker, G. (1998). Public-Private Partnerships and Urban Governance. In *Partnerships in Urban Governance* (pp. 34-51). Palgrave Macmillan UK.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1994). Grounded theory methodology. *Handbook of qualitative research*, 273-285.
- Suk Lee, Y. (2005). *Entrepreneurship, Small Businesses, and Economic Growth in Cities: An Empirical Analysis*. Freeman Spogli Institute for International Studies.
- Thompson, D. (2012). L9CS: An Innovative Choice for Urban Entrepreneurs and Urban Revitalization. *American University Business Law Review*, 115-152.
- Toma, S.-G., Grigore, A.-M., & Marines, P. (2014). Economic development and entrepreneurship. *Procedia Economics and Finance*, Vol. 8, 496 – 449.
- Ward, K. (2003). Entrepreneurial urbanism, state restructuring and civilizing 'New'East Manchester. *Area* 35.2, 116-127.
- Xue, D., & Wub, F. (2015). Failing entrepreneurial governance: From economic crisis to fiscal crisis in the city of Dongguan, China. *Cities*, 10-17.